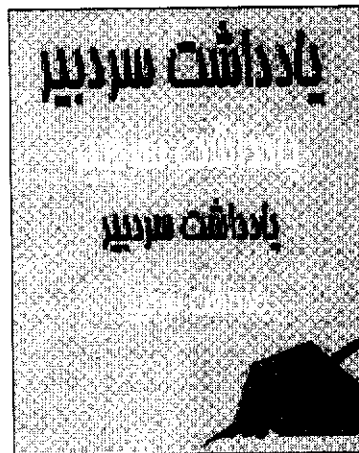


# بحران در مطبوعات ایران



تعداد نشریات دارای مجوز کشور اینک به مرز هزار رسیده، و شاید هنگامی که این شماره ماهنامه گزارش منتشر شود، از مرز هزار هم فراتر رفته باشد.

از طرح این پرسش که آیا دریافت‌کنندگان مجوز این نشریات همگی دارای صلاحیت علمی و حرفه‌ای، و تقوای اخلاقی لازم هستند یا نه؟ و اگر هستند صلاحیت ایشان را چه کسانی تشخیص داده‌اند و تأیید کرده‌اند؟ در می‌گذریم؛ چرا که فقط پرداختن به همین مقولات نیاز به نوشتن یک کتاب دارد.

در این مجال اندک فقط یک وجه از وجوه متعددی را که در ارتباط با شرایط لازم و حتمی وجود یک جامعه سالم، پویا و تأثیرگذار مطبوعاتی است مورد نقد قرار می‌دهیم: وجه اقتصادی یک فعالیت مطبوعاتی را...

با خوش بینی کامل فرض را بر این می‌گذاریم که: ۱- دولت از لحاظ مالی دارای توان کافی برای پرداخت یارانه فرهنگی بی قید و شرط به همه مطبوعات است و ۲- این یارانه با رعایت انصاف و با در نظر گرفتن تیراژ، کیفیت مطالب و سایر مواردی که ماهیت مطبوعات را شکل می‌دهد، تقسیم شود.

اگر چنین شرایطی فراهم باشد آیا مطبوعات قادر خواهند بود در یک بازار رقابتی، و با

درآمدهای مشروع به حیات خود ادامه دهند؟ درآمدهای مشروع مطبوعات عبارت است از وجوه حاصل از چاپ آگهی و فروش نشریه، و لاغیر.

با توجه به قیمت کاغذ، فیلم، زینک، چاپ، صحافی و دیگر هزینه‌های گریز ناپذیر انتشار یک نشریه، یارانه فرهنگی احتمالی دولت و درآمد حاصل از فروش نشریه تکافوی حتی نیمی از هزینه‌های انتشار نشریه‌ای را که صاحب امتیاز و مدیرمسئول و اعضای تحریریه‌اش هم تن به یک زندگی ریاضت‌طلبانه بدهند، نخواهد کرد. توجه داشته باشیم که حتی در کشورهایی که انتشار مطبوعات براساس ضابطه، و قانونمند است، و ناشران افرادی خیره و مسلط به «اقتصاد ژورنالیسم» هستند، منبع اصلی تغذیه مالی نشریات، درآمد حاصل از چاپ آگهی است.

پس، باید پذیرفت بدون آگهی، یک نشریه قادر به ادامه حیات سالم و سازنده نیست. اما آیا برای همه نشریاتی که اکنون در ایران انتشار می‌یابند، و یا در آینده انتشار خواهند یافت امکان جذب آگهی وجود دارد؟

اگر بتوانیم رقم بودجه تبلیغاتی مؤسسات عمومی و خصوصی کشور را جمع کنیم بهر حال عددی حاصل می‌شود که نشان دهنده توان اقتصادی کشور برای چاپ آگهی در مطبوعات است. این رقم، هر میلی باشد، اگر در شرایطی منصفانه و فارغ از بکارگیری اهرم فشار، رابطه‌بازی و سلیقه‌گرایی مدیریت‌های دولتی و نهادها، و فقط بر مبنای تیراژ و تأثیرگذاری مطبوعات به آنها تزریق شود، می‌توان امیدوار بود در عرصه نشریات رقابتی سالم و سازنده و مفید برای کشور جریان یابد و دست در کاران آن گروه از مطبوعات که هم دارای دانش و تخصص و تعهد حرفه‌ای هستند، و هم پذیرای زحمت و خطرات اجتناب‌ناپذیر این حرفه می‌شوند، بتوانند سرپا بایستند و آن کس موفق‌تر شود که بیشتر می‌داند، و بیشتر زحمت می‌کشد.

اما دریغ‌ها چنین نیست و آنچه سرنوشت مطبوعات را رقم می‌زند روابط است، و نه

ضوابط.

در میان روزنامه‌ها، آن روزنامه‌هایی موفقند که یا خود مولود دلخواهی هستند که صاحبان قدرت آنها را خلق کرده‌اند، و یا بنحوی، از بندنافی که صاحبان قدرت میان ایشان و مراکز مالی-صنعتی پولدار کشیده‌اند تغذیه می‌کنند.

چنین است که می‌بینیم روزنامه‌هایی تمام رنگی به بهای ۲۰ تومان به مردم عرضه می‌شود و خریدار هم دارد. و چرا که نداشته باشد؟... در جامعه‌ای که پائین بودن درآمد عمومی حق انتخاب را از مردم سلب کرده همه به سراغ کالای ارزان می‌روند، بی آنکه در بند کیفیت آن باشند! این گروه از روزنامه‌ها علاوه بر توان جذب آگهی از مجرای روابط ویژه، قدرت جذب بیشترین امکانات یارانه‌ای دولت و نهادها و دستگاه‌هایی را که بهر طریق قادر به ارائه کاغذ، فیلم و زینک و تسهیلات دیگر هستند، نیز دارند. همین شرایط در مورد هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها نیز صادق است.

این نابهنجاری را کسانی درک می‌کنند که در عرصه مطبوعات فعالیت و یا دستی، ولو از دور، بر آتش دارند.

هم اکنون مسئولان هشت روزنامه جدید در تلاش فراهم آوردن مقدمات انتشار آنها هستند. این روزنامه‌ها از کدام منبع تغذیه می‌شوند؟ آیا آنها هم از نعمت روابط ویژه برخوردار خواهند شد یا ناگزیرند براساس توانمندیهای خود، و بدون سرسپردگی به یک یا چند مرکز قدرت، ادامه حیات دهند؟

اگر حالت اول مصداق داشته باشد، دایره دسترسی نشریات مستقل حرفه‌ای به منابع دریافت آگهی باز هم محدودتر خواهد شد، و اگر حالت دوم بر این روزنامه‌ها حاکم باشد، بی‌تردید نمی‌توان به ادامه حیات آنها امید بست، مگر آنکه برای بقا تن به سازش و مصلحت‌اندیشی دهند.

ما هم اکنون شاهدیم گردانندگان تعدادی از روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و ماهنامه‌ها برای باقی ماندن، به روشهای نامطلوبی متوسل شده‌اند که

جنگال آفرینی در مورد رویدادهای جنائی، ورزشی و سینمایی- و حتی سیاست- قابل تحمل ترین و بی خطرترین! آنهاست.

در شرایطی تعداد قابل توجهی از مطبوعات ایران به روشهای نامطلوب، و بسیار مغایر با شئون روزنامه نگاری روی آورده اند که با بحران های جدی مالی و با کمبود و گرانسی ملزومات حرفه ای خود مواجه نشده اند، اما هم اکنون که این سطور نگاشته می شود، نخستین بحران آغاز شده است. کاغذ کمیاب است و بهای آن به میزان سرسام آوری گران شده است. (به عنوان نمونه کاغذ کاهی- نامرغوب ترین نوع کاغذ مصرفی مطبوعات- از کیلونی ۲۰۰ تومان به کیلونی فراتر از ۳۵۰ تومان رسیده است). این وضع باعث شده برخی روزنامه ها برای تعطیل نشدن هر روز نوعی کاغذ را مصرف کنند (کاغذی که بازار عرضه می کند، و تیراژ ناکافی خود را باز هم کاهش دهند. تعدادی از نشریات

ادواری نیز هفته هاست در چاپخانه ها معطل مانده تا شاید ناشران آن موفق به تهیه کاغذ شوند. اگر این بحران ادامه یابد، یا بحران های مشابه حادث شود، رسانه های نوشتاری ایران قادر خواهند بود به حیات خود در بستری سالم و سازنده ادامه دهند؟

اهمیت این پرسش زمانی به درستی درک می شود که از یاد نبریم رسانه های نوشتاری یکی از مؤثرترین ابزارهای توسعه (فرهنگی- سیاسی- اقتصادی و اجتماعی) هستند. نباید تردید داشت که یکی از کارسازترین ابزارهای لازم برای توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی رسانه های گروهی- و بویژه رسانه های نوشتاری به دلیل اثرگذاری ماندگارشان- هستند، اما در این موضوع هم نباید تردید روا داشت که اگر رشد مطبوعات فقط رشد کمی باشد بجای رحمت، برای جامعه زحمت آور خواهد بود. در شرایط کنونی، به دلایل مختلف، که

مهم ترین آنها همان حاکمیت روابط بر مقدرات اقتصادی مطبوعات است نمی توان امیدوار بود که رشد کمی مطبوعات به سود جامعه تمام شود. ما زمانی می توانیم به بارآوری روزنامه ها، هفته نامه ها و ماهنامه های جدیدالولاده امید ببندیم که انتشار دهندگان آنها با گردن نهادن به قانونمندیهای این حرفه، و با پایبندی به رعایت تقوای قلم و مقدم شمردن منافع ملی و عمومی بر منافع شخصی، از شرایطی مساوی و خالی از رفتارهای تبعیض آمیز مدیریت های سیاسی و اقتصادی، و نیز بنگاههای اقتصادی دولتی، نهادها و بخش خصوصی قادر به فعالیت در فضائی سالم و رقابتی باشند. اگر چنین نشود ما دیر یا زود با شرایطی مواجه خواهیم شد که ملت ما یکبار در دهه ۲۰ و اوائل دهه ۳۰، و بار دیگر در سالهای اولیه انقلاب آن را تجربه کرده است.

محمد حیدری

## ماهنامه گزارش را برای خود و دوستانتان مشترک شوید

### خواننده گرامی

اشتراک ماهنامه برای شما امتیازاتی دارد که اهم آنها عبارتست از:

- \* ثبات قیمت، زیرا افزایش قیمت مجله شامل مشترکان نمی شود. \* اطمینان از رسیدن به موقع و حتمی ماهنامه.
- \* عدم صرف وقت برای مراجعه به کیوسک های مختلف و سرگردانی و احتمالاً عدم توفیق در تهیه آن به دلیل بفرش رسیدن کلیه نسخه ها.

## فرم اشتراک ماهنامه گزارش

اینجانب: ..... فارغ التحصیل رشته: ..... مسئولیت فعلی: ..... ارائه دهنده تولیدات: .....  
 به نشانی: ..... خدمات: ..... کد پستی: .....  
 تلفن: ..... فاکس: ..... کد اشتراک قبلی: ..... درخواست اشتراک ماهنامه گزارش را از شماره ..... به مدت یک سال دارم.

توجه: در صورت تکمیل و ارسال فرم اشتراک از شماره های قبل ماهنامه گزارش، پرداخت اختلاف مبلغ براساس تاریخ ارسال ضروری است.

### لطفاً روی پاکت بنویسید «بخش اشتراک»

#### توضیحات:

۱- لطفاً وجه اشتراک را به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات شعبه ۲۹۰ تهران، شعبه نشانی سفندیاری (بخش گزارش)، قابل پرداخت در تمام شعب بانکها، واریز و اصل فیش آن را همراه درخواست اشتراک بوسیله صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷ تهران به دفتر مجله ارسال کنید.

#### ● شماره های قبلی مجله هر نسخه ۲۵۰۰ ریال به فروش می رسد.

۲- علاقمندان به اشتراک در خارج از ایران می توانند به دو صورت زیر عمل کنند:

- الف- مبلغ اشتراک را به حساب جاری شماره ۲۳ - ۰۱۰۰۰۰۲۱۴۸۱ بانک ملی ایران شعبه پاریس به نشانی 43, avenue Montaigne - 75008 PARIS Telephone: 47.23.78.57, Telex: 641 506 MELBAN به نام مجله گزارش واریز و اصل حواله را (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله گزارش، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷ تهران - ایران با پست سفارشی ارسال کنند.
- ب- معادل ریالی آن را توسط اقوام یا دوستان خود در ایران به حساب جاری ماهنامه گزارش واریز و قبض آنرا همراه با نشانی کامل (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله ارسال کنند.